

پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت

فاطمه زهرا علیهاالسلام

نویسنده: حیدر تربتی کربلایی.

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، الذي جعل محمداً و آله صلوات الله عليهم أجمعين
مظاهر جماله و جلاله، الذين أذهب الله عنهم الدناسات و طهرهم تطهيراً (مطلقاً،
مادياً و معنوياً)، و الذين هم الصراط المستقيم و الطريق الوحيد الى معرفه الله و
طاعته، و لولا معرفتهم فالضلاله لامحاله، فصلّى الله عليهم صلاه لا نهايه لها، و
لعنه الله على أعدائهم و مخالفهم و ظالمهم و غاصبي حقوقهم، و مدعى شئونهم و
مراتبهم و الراضين بذلك، لعناً دائماً ابدياً الى أبداً بدين آمين.

از گنجینه های ارزنده ثانی ثقلین که از محتوای غنی و بابرکت اسرار ولایت
کلیّه تکوینی برخوردار است؛ حدیث شریف کسا به روایت عصمت کبری، فاطمه
زهرا علیها السلام است. این حدیث شریف و نورانی، اگرچه کوتاه است، اما سرشار از
مطالب ارزنده ای درباره ولایت کلیّه تکوینی و همچنین تفسیر آیات قرآنی و
ولایی است که البته نیازمند شرحی جامع و تفسیری ولایی می باشد.

هرچند برخی ناآگاهان در صحیح بودن این حدیث شریف تردید ایجاد می
کنند اما بحمدالله در میان شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، از
شهرت و رونق خوبی برخوردار بوده و برای برآورده شدن حاجت ها و شفای
بیماران خوانده می شود.

در این نوشته به حول و قوّه الهی و کرم حضرت ولیّ الله العظمی و آیته،
صاحبہ الولایہ الکلیّہ الالهیّہ و حجّہ الله علی الحجج، سیّدہ نساء العالمین فاطمه
الزّهراء صلوات الله و سلامه علیها و علی اهل بیتها، در صدد پاسخ به آن
گفتارهای بی اساس برآمده ایم و در ادامه، متن حدیث را همراه با اختلاف
نسخه ها و منابع می آوریم.

امیدواریم به درگاه آن حضرت قبول افتد و از عنایت ایشان بهره مند شویم.
حدیث إنّ فاطمه بقیّہ النبوّ

مقدمهٔ اوّل: شبهه ها دربارهٔ حدیث کساء

اشاره

گفته شده است: این حدیث به روایت حضرت زهرا علیها السلام و با این مضمون در هیچ کدام از کتاب های معتبر حدیث خاصّه (شیعیان اهل بیت علیهم السلام و یا عامّه نیامده است. و «المنتخب» نخستین کتابی است که حدیث را نقل کرده و سندی برای آن ذکر نکرده است و تنها سند ذکر شده برای آن، حاشیه کتاب «العوالم» است و در سند حاشیه «العوالم» از محدّثانی چون سیّد هاشم بحرانی و... تا کلینی رحمهم الله نام برده شده در حالی که در هیچ کدام از کتاب های حدیثی آنان، حدیث کسا بدین صورت نیامده است.

در پاسخ باید گفت: هنگام شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پس از آن، اختناق شدیدی بر جامعه اسلامی حاکم گشت و به شدّت از انتشار حدیث و خبرهای صحیح به این بهانه که «با نشر احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن کنار گذاشته می شود» و «قرآن ما را بس است» جلوگیری شد و هرکس تخلف می کرد، مورد تعقیب و مجازات قرار می گرفت. لعنت خداوند متعال بر کسانی که از گردآوری احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ثبت صحیح حوادث تاریخی صدر اسلام، جلوگیری کردند و ما را از بسیاری اطلاعات تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری و... از منبع وحی، محروم ساختند.

و از میان آن رویدادها، گردآمدن پنج تن آل عبا در خاندان وحی و خانهٔ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

از طرفی، بسیاری از کتاب های معتبر، طیّ قرن های متمادی، دستخوش حوادث ناگواری چون سوختن، غارت، فرسودگی و... شده اند. و گاه در کتاب خانه های دولتی یا شخصی و یا موزه های گوشه و کنار جهان، از پیدا شدن برخی از این کتاب ها خبر می رسد و چنان چه شرایط فراهم باشد، چاپ شده و در اختیار پژوهشگران قرار می گیرد. بنابراین عدم الوجدان لایدلّ علی عدم الوجود.

علاوه بر این، نخستین منبع این حدیث شریف، که از آن آگاهی داریم و از اعتبار والایی برخوردار است، کتاب «الغرر و الدرر» محدّث جلیل دیلمی قدّس سرّه است که در هفت قرن پیش نگاشته شده و نسخه ای از آن در کتاب خانه دانشگاه تهران موجود است. علمایی در عصر ما، این کتاب را دیده اند و ما را از محتوای آن آگاه کرده اند. البته کتاب های معتبر دیگری نیز حدیث کسا را نقل کرده اند که ان شاءالله در این زمینه اطلاعات ارزنده ای عرضه می شود.

منابع حدیث کساء

1- غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأخیار: نوشته شیخ حسن بن علی بن محمد معروف به واعظ دیلمی قدس سره متوفای قرن هشتم هجری. در حال حاضر نسخه ای خطی از این کتاب در کتاب خانه دانشگاه تهران در ضمن مجموعه اهدائی آقای مشکات به شماره: 1488 می باشد.

کتاب شناس بزرگ شیعه، علامه آقا بزرگ تهرانی قدس سره می نویسد: «کتاب ((عجالة الراكب و قناعه الطالب فی المناقب))، فارسی و تالیف مولی محمد حسین بن محمد مهدی کرهرودی سلطان آبادی قدس سره متوفای در شهر کاظمین در سال 1314 قمری می باشد. او این کتاب را به فرمان سیدعلی بجستانی نوشت... این کتاب به خط وی در کتاب خانه ((طهرانی)) در شهر سامرا موجود است. اول آن چنین است:

[الحمد لله الذي أفاض علينا الوجود لمعرفة و طاعته...] و در آن کتاب ذکر نموده است که حدیث کسا را همراه با سند و همراه با اختلاف در متن آن، در کتاب ((غرر الأخبار)) دیلمی دیده است،...»⁽¹⁾

وی می نویسد: « ((غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأخیار))، تألیف شیخ ابو محمد حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی (ره)، از اهل آخر سده هفتم و پس از آن تا میانه هشتم قمری بوده است...، علامه مجلسی (ره) از وی در آغاز کتاب بحار الأنوار نقل می کند و همچنین از کتاب الغرر وی مولی محمد حسین کرهرودی (ره) معاصر و متوفای در شهر کاظمین در سال 1314 قمری در تألیف

های خود بسیار نقل می کند، از جمله آنها حدیث کسا می باشد به ترتیبی که در منتخب طریحی (ره) است با اختلافی بسیار کم و به سندهایی

1- الذریعه: 222/15.

چند. و می گویم: نزد سید آقا تستری (ره) نسخه ای ناتمام از کتاب ((الغرر)) را دیدم و در چند جای آن از خود نام می برد... و نسبت به حدیث کسا، سند در آن ذکر نشده بود و بعضی از بخش های آن چنین بود: [...] حَتَّى أَنَّهُمْ ذَكَرُوا لَمَّا دَخَلُوا تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ: يَا مَلَائِكَتِي وَ سَكَّانِ سَمَاوَاتِي مَا خَلَقْتُمْ سَمَاءً مَبْنِيَّةً... و حدیث چنان است که طریحی نقل کرده است تا اینجا: [ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَجْزَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ] و در آن بخش های گفتار امام علی علیه السلام و پاسخ های رسول خدا ﷺ چنان که طریحی آورده است نمی باشد...»⁽¹⁾.

آیه الله فقید مرعشی نجفی قدس سره می فرمایند: «از جمله کسانی که این متن حدیث کسا را نقل کرده است، واعظ بزرگوار، دیلمی صاحب کتاب ارشادالقلوب است که در کتاب

1- الذریعه: 36/16-37.

الغرر و الدرر تقریباً نیمی از این حدیث را آورده است»⁽¹⁾.

محمی الدین موسوی غریفی در کتاب «آیه التّطهیر» می نویسد: «قسمتی از کتاب الغرر دیلمی (ره) را در کتابخانه شخصی شیخ شیر محمد همدانی در نجف اشرف دیدم»⁽²⁾.

2- المنتخب الكبير في المراثي و الخطب: آقا بزرگ تهرانی قدس سره می نویسد: «کتاب المنتخب...» از آن شیخ فخرالدین بن محمد علی بن احمد بن طریحی نجفی (ره) است. وی متوفای سال 1058 قمری می باشد... و در حاشیه کتاب، حدیث کسا به گونه مختصر از کتاب «نهج المحجّه» که تألیف شیخ علی تقی بن شیخ احمد بن زین الدین احسایی است، آمده است و نسخه دیگری از المنتخب می باشد که بین آن و کتاب المنتخب که به چاپ رسیده است، در برخی

1- شرح احقاق الحق: 2/557.

2- صفحه 88.

لفظ ها اختلاف می باشد و در هر مجلسی سه باب است و از آن ده مجلس موجود می باشد و آن به خط محمد مهدی بن محمد قاسم استرآبادی در سال 1096 قمری می باشد...»⁽¹⁾.

3- (حاشیه) عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال حياه سيده النساء عليها السلام: جلد یازدهم چاپ دوم و سوم: آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سره می نویسند: «...سخن را درباره حدیث کسا با ایراد نسخه ای از حدیث کسا که رایج است در مجالس مؤمنان از شیعیان خاندان پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که برای درخواست شفا و بهبودی نزد بیماران و برای درخواست حاجت ها خوانده می شود، به پایان می رسانیم، و من آن را نقل می کنم از رساله عالم جلیل حجّت زاهد حاج شیخ محمد تقی فرزند حاج شیخ محمد باقر یزدی بافقی، ساکن در قم که مظلومانه و در اسارت از دنیا

1- الذریعه: 22/420.

رفت و خداوند حقّ او را از کسانی که وی را ستم نمودند و از وطنش دور نمودند بگیرد، سپس به دیگر نسخه ها اشاره می کنیم به یاری و کرم خداوند تعالی... (بخشی از نامه آیه الله بافقی به آیه الله مرعشی قدّس سرهما) ... عوالم که از کتاب های معتبر شیعه و صاحب آن در کمال جلالت و اعتبار است و تقریباً زیاده از هفتاد جلد است و جلد یازدهم آن در احوالات حضرت سیّده النّساء فاطمه الزّهراء صلوات الله وسلامه علیها و علی ابیها و بعلمها و بینها است و حقیر عبادالله محمّد تقی بن محمّد باقر بافقی یزدی قمی نجفی، این حدیث شریف را از آن کتاب مبارک نقل نمودم، انشاءالله تمام شیعیان سعی نموده این حدیث و آن کتاب و سایر کتاب ها را طبع خواهند فرمود و حضرت احدیّت جلّت عظمتهم همه را موفّق و مؤیّد فرماید. توضیح آنکه هفتاد جلد آن در یزد در کتاب خانه مرحوم حجّت الاسلام آقای آقا میرزا سلیمان قدّس سرّه موجود می باشد. تتمّه آن ظاهراً در بحرین در خانواده مرحوم مؤلّف می باشد. التماس دعا از منتظرین حجّه بن الحسن صلوات الله وسلامه علیه و علی آبائه الطّاهرین دارم.

بسم الله الرحمن الرحيم قال الشيخ عبدالله البحراني صاحب العوالم: رأيت بخط الشيخ الجليل السيد هاشم البحراني (سند و حديث را همان گونه که از عوالم نقل شده است، آورده اند تا آنجا که می فرماید:) [و الآخره بربّ الکعبه]. تمام شد آنچه را که به خطّ مرحوم عالم زاهد بافقی یافتیم.

سپس از فاضل جلیل شیخ محمد صدوقی یزدی خواستم تا اینکه از نسخه کتاب عوالم، سند حدیث و متن آن را بنویسد و آرزوی مرا برآورد. پس آن را با نسخه مرحوم آقای بافقی مقابله نمودم و هر دو را مطابق با هم یافتیم، حرف به حرف. و میان آن دو اختلافی نیافتیم به جز آن که آقای صدوقی ذکر نمود که حدیث کسا و متن آن را در حاشیه و کنار کتاب عوالم یافته بود. و از کسانی که آن (حدیث شریف کسا به روایت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام) را نقل نموده است، علامه جلیل ثقه ثبت شیخ ما فخرالدین محمد علی طریحی اسدی نجفی، صاحب مجمع البحرین در کتاب المنتخب الکبیر است. میان او و آنچه از کتاب عوالم شده به جز زیاده سلام ها و نیز در جمله فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم [اللهم هؤلاء أهل بیتی و حامتی] دیگر تفاوتی نیست... و عالم جلیل و حجت، مسئول کتاب خانه و موزه روضه عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری آقای حاج شیخ محمد جواد رازی کنی در کتاب خود (نورالآفاق صفحه 4 چاپ تهران) متنی را که آوردیم به واسطه مرحوم بافقی، عیناً حرف به حرف، آورده است و چنین می گویند: و از شیخ مورد وثوق خود حاج شیخ محمدحسین سیستانی درباره سند این حدیث شریف شنیدم که او از سید حسن بن سید مرتضی یزدی

شنیده است که روایت کرده است صاحب عوالم... و سند را تا آخر همان
طور که نقل کردیم ذکر نموده است و از سخن وی برمی آید که حدیث مذکور
در دو جای عوالم آمده است یکی در جلد یازدهم و دیگری در جلد شصت و
دوم عوالم پس دقت نما»⁽¹⁾.

4- نهج المحجّه فی فضائل الائمه علیهم السلام : آقا بزرگ تهرانی قدّس سرّه درباره
این کتاب می نویسند: «کتاب نهج المحجّه فی فضائل الائمه علیهم السلام و إثبات حقّهم
و غصب غیرهم و بدع الغاصبین المبتدعین، از شیخ علی تقی بن احمد احسائی
متوفای سال 1246 است و در سال 1235 از نوشتن آن فارغ گشت و این کتاب
مانند کتاب الصّراط المستقیم بیاضی می باشد. این کتاب را بر مقدمه و ده فصل
و یک خاتمه مرتّب نموده است و نسخه آن را نزد عبدالکریم آل حیدر در
1- شرح إحقاق الحق: 553/2-558.

بغداد دیدم و در سال 1373 در دو جلد و در تبریز به چاپ رسیده است و
در آن نقل حدیث کسا را دیدم ولی از متن منتخب طریحی کمتر بود»⁽¹⁾.

5- حسین علوی دمشقی حنفی از خانواده های تقییان شام است و آیه الله
مرعشی قدّس سرّه می نویسند: «حدیث کسا را به خطّ او دیده اند»⁽²⁾.

چگونگی صاحبان منابع حدیث

1- الذّریعه الی تصانیف الشّیعه: 424/24 رقم. 2220

2- شرح إحقاق الحق: 553/2-558.

1 واعظ دیلمی شیخ حسن فرزند علی فرزند محمّد دیلمی قدّس سرّه:

شیخ محمد بن الحسن حرّ عاملی صاحب دائره المعارف بزرگ فقه مآثور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام «تفصیل وسائل الشیعه» در کتاب «أمل الآمل» 77/2: رقم 211، وی را فاضل محدث صالح معرفی نموده است. و نیز علامه مجلسی قدس سرّه از او با تعبیر «شیخ عارف» یاد نموده است و میرزا عبدالله افندی قدس سرّه درباره او می فرماید: «شیخ عارف عالم، محدث جلیل، معروف به دیلمی» و همچنین صاحب روضات الجنّات قدس سرّه می نویسد: «عالم عارف وجیه واعظ معروف که به هر وصف زیبایی موصوف است. شیخی از بزرگان اصحاب ما و محدثین بوده»، سید محسن امین عاملی نیز در اعیان الشیعه درباره او می نویسد:

«وی عالم عارف، عامل محدث، کامل وجیه، از بزرگان اصحاب ما و فضلی در فقه و حدیث و عرفان و تاریخ غزوات و... می باشد». و محدث قمی قدس سرّه در الکنی و الألقاب او را «شیخ محدث وجیه نبیه...» توصیف نموده است. او صاحب کتاب های ارزنده ای چون: «اعلام الدّین فی صفات المؤمنین» و کتاب «ارشاد القلوب» است.

مؤلف گوید: از کلام مرحوم دیلمی چنین برمی آید که ایشان، کتاب خود را در سال 756 یعنی در اواسط قرن هشتم هجری به پایان رسانده است.

2 شیخ فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد طریحی نجفی معروف به شیخ طریحی قدس سرّه متوفای سال 1085، یکی دیگر از نقل کنندگان این حدیث شریف می باشد.

شیخ حرّ عاملی قدّس سرّه وی را «فاضل زاهد، پاکدامن عابد، فقیه و شاعر جلیل القدر» توصیف نموده است و کتاب های مجمع البحرين و المقتل و المنتخب در زیارت و خطبه ها و شعر و رسائلی چند را از تألیفات او دانسته و می نویسد که با او هم عصر است.⁽¹⁾ محدّث قمی قدّس سرّه در سفینه البحار می نویسد: «شیخ طریحی قدّس سرّه همان عالم فاضل محدّث پاکدامن زاهد عابد فقیه، شاعر جلیل، صاحب کتاب مجمع البحرين و المنتخب در مقتل و الفخریه در فقه و... است... حکایت شده است که وی عابدترین اهل زمان خود و پاکدامن ترین بوده است. روایت کند از وی فرزند دانشمندش صفی الدّین و علامه سیّد هاشم توبلی بحرانی و مجلسی و خود از شیخش محمّد فرزند حسام مشرقی از شیخ بهایی...».

3 شیخ محدّث بزرگ و متبّع آگاه عبدالله بن نورالله

1- أمل الآمل: 214/2 الرقم 648.

بحرانی اصفهانی قدّس سرّه، بزرگ شاگرد علامه بزرگوار مجلسی قدّس سرّه، از خطّ سیّد هاشم بحرانی قدّس سرّه، از استاد بزرگوارش سیّد ماجد بحرانی، از شیخ حسن بن زین الدّین شهید دوم، از استادش مقدّس اردبیلی، از استادش علی بن عبدالعالی کرکی، از شیخ علی بن هلال جزائری، از شیخ احمد بن فهد حلّی، از شیخ علی بن خازن حائری، از شیخ ضیاء الدّین علی بن شهید اول، از پدرش، از فخر المحقّقین، از شیخ و پدرش علامه حلّی، از شیخ خود محقّق حلّی، از استادش ابن نمای حلّی، از استادش محمّد بن ادريس حلّی، از ابن حمزه طوسی صاحب ثاقب المناقب، از شیخ جلیل محمّد بن شهرآشوب، از طبرسی صاحب احتجاج، از استاد بزرگوارش حسن بن محمّد بن حسن طوسی، از پدرش شیخ طائفه حقّه طوسی، از استادش شیخ مفید، از استادش ابن قولویه قمی، از استادش شیخ کلینی، از علی بن

ابراهیم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، از قاسم بن یحیی بن الجلاء کوفی، از ابوبصیر، از ابان بن تغلب، از جابر بن یزید جعفی، از جابر بن عبدالله انصاری □ از فاطمه زهرا علیها السلام متن این حدیث را روایت نموده است که تصویری از نسخه خطی آن ضمیمه می شود.

4 شیخ علی تقی بن احمد احسائی.

5 حسین علوی دمشقی حنفی از اشراف شام.

نظم حدیث کسا

محقق و کتاب شناس بزرگ شیعه آیه الله سید حسن صدر قدس سره چنین می نویسد: «سید محمد بن سید ابراهیم... موسوی جبعی شحوری، جدّ اعلای ما... شاگرد شیخ محمد باقر سبزواری صاحب الذخیره بود،... از نوشته های باقی مانده او «قصیده نونیّه بزرگ» وی می باشد که در آن، حدیث کسا را به همان کیفیتی که طریحی در المنتخب آورده، به نظم آورده است...»⁽¹⁾

آقابزرگ تهرانی قدس سره چنین نگاشته است: «ارجوزه در حدیث کسا که نظم علامه سید محمد بن سید معز الدین محمد مهدی حسینی قزوینی حلّی متوفای سال 1335 قمری است و در پنجاه بیت می باشد و آن را علامه سید محمد

1- تکمله أمل الآمل: 335-337.

صادق آل بحر العلوم در کتاب مجموع الرائق آورده است»⁽¹⁾.

آیه الله مرعشی نجفی قدس سره می نویسند: «و این حدیث شریف را تنی چند از فرزانه های شعر و ادب از اصحاب ما (شیعیان) به نظم درآورده اند. از برترین آنان علامه فقیه ادیب آیه الله ابوالعزّ سید محمد بن علامه سید مهدی قزوینی حلّی متوفای سال 1335 قمری می باشد. وی در بالاترین جایگاه جلالت و بزرگی بود. او از دوستان پدر علامه ام بود. روانش شاد باد... دیگر سراینده این حدیث، فاضل معاصر و جلیل استاد شیخ علی خاقانی نجفی می باشد که بابلیّات از سروده های ایشان است و در مجلّه ((البیان)) چاپ شده

است، خداوند برکت و جود وی را دوام بخشد و در میان ما چون او را بسیار گرداند...»⁽²⁾

1- الذَّریعه: 470/1.

2- شرح احقاق الحق: 558/2.

آقابزرگ تهرانی می نویسد: «... محدّث ماهر حاج شیخ محمّدباقر... قاضی بیرجندی صافی صاحب کتاب «الکبریت الأحمر فی شرائط اهل المنیر» در مقتل به زبان فارسی است وی حدیث کسا را به نظم آورده و در سال 1343 قمری به چاپ رسیده است...»⁽¹⁾

و می نویسد: «طور سیناء در شرح حدیث کساء» به فارسی، از شیخ معاصر حاج شیخ علی اکبر... نهاوندی متوفا در مشهد خراسان است.⁽²⁾

1- الذَّریعه: 260/17.

2- الذَّریعه: 181/15.

چند نکته

برای شرح حال راویان حدیث، واقع در طریق عوالم، به موسوعه رجال
بزرگ «معجم رجال الحدیث»، تألیف آیه الله خوئی قدس سره مراجعه کنید.

محدث و دانشمند فقید، سید عبدالرزاق موسوی مقرر قدس سره می نویسد:

«حدیث کساء»

«سخنان مفسران، روایت های محدثان و صاحبان سیره و ارباب معجم ها همه بر اینکه منظور از اهل بیت در سخن خدای متعال: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» همان پنج تن اصحاب کسا است، اتفاق دارند. اصحاب کسا یعنی پیامبر اعظم ﷺ و وصی آن حضرت، امیرمؤمنان علیؑ و دخترش حضرت صدیقه سیده زنان دو جهان از اولین و آخرین ﷺ و دو فرزندش که دو

آقای اهل بهشت امام حسن علیؑ و امام حسین علیؑ هستند. و در این مورد از گروهی از صحابه و تابعین، نصّ متواتر وجود دارد. و ابن جریر طبری در تفسیر جامع البیان پانزده طریق و سیوطی در تفسیر الدر المنثور تا بیست طریق ذکر کرده است. و پیامبر ﷺ همیشه در فرصت ها و موارد متعدد آشکارا می فرمود که اصحاب کسا اختصاص به همین پنج تن دارد. حتی آن حضرت پس از نزول آیه تطهیر هرگاه برای نماز صبح خارج می شدند، بر در خانه فاطمه علیها السلام می ایستادند و با صدای بلند ندا می کردند: «الصّلاه أهل البيت» و آیه تطهیر را قرائت می فرمودند. و شش ماه یا هفت و یا هشت ماه بر این روش بودند و هیچ کس نقل نکرده و نگفته که این توقّف بر در خانه یکی از زنان و نزدیکان آن حضرت ﷺ بوده است و این عمل از شخص حکیمی چون رسول خدا ﷺ دلالت بر معنای بزرگ و مهمی دارد که آیه

دربردارنده این معنای عظیم است و آن اینکه آیه اختصاص به این پنج تن دارد و هیچ فرد دیگری از مسلمانان را شامل نمی شود. ولی گروه هایی که انکارکننده فضیلت اهل کسا هستند؛ وقتی دیدند نمی توانند این فضیلت را از ریشه انکار کنند، غیر این پنج تن را شریک در اهل بیت قرار داده و به شاهدهایی سست تر از خانه عنکبوت استناد کرده اند و حتی خودشان در این گفته مانند کسی که در شب تاریک، هیزم جمع می کند، سرگردان و مردّد هستند. و با اینکه رسول خدا ﷺ به امّ سلمه اجازه داخل شدن در کسا را نداد و فقط به او فرمود: به راستی تو بر خیری و از زنان پیامبر هستی، انکارکنندگان فضیلت اهل بیت، دیدند نمی توانند مطالب خود را به خورد مردم بدهند، راه دیگری را پیشه ساختند و آن این بود که حدیث را تحریف کردند و از حدیث ویژگی هایی که برای پنج تن آمده بود انداختند و فقط به

نزول آیه در شأن ایشان اکتفا نمودند؛ اما متبّع کامل شیخ فخرالدین طریحی نجفی که از نوادر روزگار و از مفاخر علما به شمار می آید، در کتاب «المنتخب» چاپ نجف صفحه 186، روایت را همان طور که از منبع وحی رسیده، ذکر نموده. علامه و حجّه الاسلام سید عدنان آل سید شبر بحرانی و سید محمد فرزندان آیه الله سید مهدی قزوینی از علامه محقق طریحی تبعیت کرده اند. و علامه حجّه الاسلام سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در «أجوبه المسائل المتفرقه»، همان را اذعان نموده است و (دور از صحت نمی داند) و علامه سید شهاب الدین تبریزی در رساله کوچک فارسی که آن را «حدیث کسا» نامیده است، سندی را برای این حدیث متذکر شده و در آن رساله کوچک، حدیث سلسله الذهب را بیان داشته است. این کتاب در سال 1356 قمری به طبع رسیده است. به کتاب الذریعه

در فهرست مصنفات شیعه: 378/6 مراجعه شود. و محبّ الدّین طبری در ذخائر العقبی: 22، و ابن حجر در الصّواعق المحرّقه: 86 از اختلافی که در روایات تعیین کسا و محلّی که در آن جمع بودند و آنچه امّ سلمه جواب داده و غیر اینها است، استظهار کرده اند که واقعه متعدّد است. ولی من دلیلی برای تعدّد واقعه نمی بینم زیرا در حقیقت واقعه یکی است و آیه کریمه در همان یک مورد نازل شده است. و لیکن راویان خبر این فضیلت را آن چنان که صادر شده، نقل نکرده اند و در این واقعه طبق خواسته هوی و هوس تصرف نموده اند. پس زنان و خویشان پیغمبر را با پنج تن شریک نموده اند در حالی که دور بودن ایشان از آیه چون دور بودن آسمان و زمین است. و شاهد بر این گفته پیامبر ﷺ به امّ سلمه است، آن هنگامی که اجازه خواست تا داخل در کسا شود فرمود: «إِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ، إِنَّكَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ»، هم چنان

که نمی بینم شک کننده در احادیث اهل بیت که اثبات منزلت های عالی برای آن بزرگواران می نماید فضائلی که پیامبر مرسل و فرشتگان مقربّ به آنها نمی رسند در صحّت این حدیث و آنچه را که برای پنج تن و شیعیانشان اثبات می نماید شک کند و حدیث های متواتر بلکه فوق تواتر بر چنین فضیلتی دلالت دارد. پس در چیزی که نص بر آن قائم است، شک کردن وی دور نخواهد بود»⁽¹⁾.

بنا بر نقل جامع کتاب «الدّعاء و الزّیاره»، پدر ایشان مرحوم آیه الله میرزا مهدی شیرازی قدّس سرّه در مجموعه ای حدیث کسا را با سند متصل از حضرت زهرا علیها السلام نقل می کنند و اینجانب مفتخر به مجاز بودن نقل آن به طریق مذکور به واسطه ایشان هستم.

منابع، اسناد و راویان حدیث

1- وفاه الزهراء علیها السلام: 48-50.

1 اولین مدرک حدیث کسا، از پیشینه ای بیش از شش قرن، برخوردار است.

2 تمامی مؤلفان، مورد وثوق در حدّ عالی و جلیل القدر بوده اند.

3 حدیث کسا بنا به فرمایش مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی (ره)، در کتاب
الغرر و الدرر چندین سند دارد.

4 کتاب الغرر را سید آقا بزرگ شوشتری و مولی محمد حسین کرهرودی و
آقا بزرگ تهرانی و آیه الله مرعشی و غریفی رحمهم الله دیده اند.

5 نسخه ای از کتاب الغرر در کتابخانه دانشگاه تهران موجود می باشد.

مقدمه دوم: اضافات و پاسخ به سایر شبهه ها

اشاره

پس از چاپ یکم، خوشبختانه کتاب شریف «غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الأئمه الأطهار» برای نخستین بار به اهتمام مکتبه العلامه المجلسی قدس سره و با تحقیق اسماعیل الضیغم ضمن سلسله مصادر بحار الأنوار جلد 5، 1427 ه.ق به زیور طبع آراسته شد. در صفحه 298 فصل 23 این کتاب چنین آمده است: حَتَّى أَنَّهُمْ ذَكَرُوا لَمَّا دَخَلُوا تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ: يَا مَلَائِكَتِي وَسَكَّانَ سَمَاوَاتِي، مَا خَلَقْتَ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَ لَا أَرْضَ مَدْحِيَّةً، وَ لَا قَمَرٍ يَسْرِي، وَ لَا فَلَكَ يَجْرِي، إِلَّا لِأَجْلِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ تَحْتَ الْكِسَاءِ. فَقَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، وَ مَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ جَلَّ جَلَالُهُ: فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا. فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَنْزِلَ إِلَيْهِمْ وَ أَبْشِرَهُمْ وَ أَكُونَ مَعَهُمْ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَتَنَزَّلَ، وَ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، يَا حَبِيبِي يَا مُحَمَّدُ! أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ فَأَكُونَ سَادِسَكُمْ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَدْ أَذْنْتُ لَكَ. فَقَالَ: يَا حَبِيبِي يَا مُحَمَّدُ! رَبِّكَ يَقْرَأُكَ السَّلَامُ وَ يَخْصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَ الْإِكْرَامِ وَ يَقُولُ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَلَوِيَّ وَ ارْتِفَاعِي، مَا خَلَقْتَ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَ لَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً، وَ لَا شَمْسًا، وَ لَا قَمَرًا، وَ لَا نَجْمًا، وَ لَا جَنَّةً، وَ لَا نَارًا إِلَّا لِأَجْلِكَم.

اما درباره شبهه ها، بیش از هر چیز لازم است بدانیم که زیر سؤال بردن، اشکال وارد کردن و ترویج نظریات پالایش نشده درباره متونی از این قبیل که شیعیان در طول قرون متمادی، در مجالس شکوه مندی، به خواندن آن ملتزم بوده و هستند جز ایجاد تردید در اذهان عموم و فراهم آوردن مستمسک برای

دشمنان تشیع، نتیجه دیگری ندارد. بنابراین باید پیش از هر اقدامی، مباحثی از این دست، در مجامع علمی بررسی شده و صحیح ترین و مستندترین نظر علمی در میان مردم مطرح شود. اما اشکالات و پاسخ ها:

الف: گفته شده است: این سلسله سند به لحاظ تاریخی

صحیح نیست، چرا که برخی از راویان با راوی پیش از خود هم عصر نبوده اند. بنابراین نمی توانند از راوی قبل از خود روایتی نقل کنند.

پاسخ: صحّت استناد یک حدیث به معصوم، تنها با داشتن سند صحیح محرّز نمی شود. مثلاً مقبوله عمر بن حنظله، هرچند سند آن صحیح، معتبر و متواتر نیست، اما علما و فقها آن را اخذ به قبول نموده و براساس آن فتوا داده اند. محتوای بسیار ارزشمند حدیث شریف کساء نیز بر صحّت صدور آن از ساحت معصوم دلالت دارد.⁽¹⁾

بنابراین با استناد به قاعده تسامح در ادله سنن، حتی اگر متنی مانند حدیث کساء، سند صحیح نداشته باشد، عدم ضعف محتوایی بلکه متن بسیار قوی و ارزشمند آن می تواند

1- ر.ک: «التحقیق حول سند حدیث الکساء» و «فاطمه‌علیها السلام در آئینه کتاب».

بر صحّت صدور آن از معصوم دلالت کند. گذشته از اینکه این حدیث شریف، از مجربّات امامیه بوده و مورد تأیید مراجع شیعه از جمله علماء و آیات سیّد محمد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در کتاب «اجوبه المسائل المتفرّقه»، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی و آیه الله سیّد محمدرضا موسوی گلپایگانی و آیه الله سیّد محمد روحانی و... است.⁽¹⁾

ب: حدیث کساء روایت شده از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دلالت بر وقوع آن و اجتماع خمسه طّیه در خانه آن حضرت دارد در حالی که احادیث

صحیح در این باره بر وقوع این حادثه در خانه امّ سلمه، همسر رسول الله
ﷺ، دلالت دارند. و حدیث کساء در خانه حضرت زهراء علیها السلام اعتبار
ندارد.

پاسخ: بزرگانی از پیروان خلفای سقیفه ملعونه، چون احمد

1- ر.ک: حدیث کساء و آثار شگفت.

بن حجر هیثمی شافعی متعصب افراطی (ت 974ه) در کتاب محترقه خود «الصّواعق المحرقة» صفحه: 144 چاپ قاهره مصر می نویسد: محبّ الدّین طبری (ت 694ه) اشاره کرده است که واقعه کسائیّه در خانه امّ سلمه و خانه حضرت فاطمه علیها السلام و... تکرار شده است.

می بینیم که این نقل، در قرن هفتم و از طریق پیروان اصحاب سقیفه ملعونه صورت گرفته و در آن به صراحت اعلام شده است که یکی از مواضع اجتماع خمسۀ طیّبه، خانه حضرت فاطمه علیها السلام است.

از طریق شیعه نیز سیّد جلیل علیّ بن طاووس (ره) در کتاب شریف «الطّرائف فی معرفه مذاهب الطّوائف» مواردی از اختلاف روایات را آورده و می فرماید: این روایات دلالت بر تکرار این واقعه دارد.

ج: حدیث کساء از حیث محتوایی سستی هایی دارد که براهل حدیث مخفی نیست.

پاسخ: این بیان، ادعایی بیش نبوده و مدرکی ندارد.

د: در حدیث کساء مزبور از حضرت زهراء علیها السلام آمده است که خداوند متعال فرمود: یا ملائکتی! انّی ما خلقت سماءاً... در حالی که ایشان تنها می توانستند از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این مطلب را نقل کنند. جز پیامبر کسی نمی تواند چیزی را بدون واسطه از خداوند نقل کند.

پاسخ: درباره اینکه کسی جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، نتواند کلام خدا را بشنود، دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد بلکه قرآن کریم به روشنی اعلام می فرماید که وحی بر کسانی که نبی و رسول نبوده اند نیز صورت گرفته است: «وَأَوْحِينَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ...»⁽¹⁾ «إِذْ أَوْحِينَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ»⁽²⁾ و... .

1- (28) سوره القصص: آیه 8.

2- (20) سوره طه صلی الله علیه و آله و سلم: آیه 39.

نقل قول مستقیم از خداوند و جبرئیل که در حدیث شریف کساء توسط حضرت صدیقۀ طاهره علیها السلام صورت می گیرد، بیان گر مقام محدّثه بودن ایشان است که با توجّه به نصوص بسیار، برای ایشان ثابت بوده و جای انکار ندارد.

ضمن اینکه نقل قول مستقیم از جانب خداوند توسط حضرت زهرا علیها السلام، اختصاص به حدیث شریف کساء ندارد: محدّث جلیل القدر محمّد

بن الحسن الصفار که از اجله شاگردان امام الحسن الزکی العسکری علیه السلام است در کتاب شریف خود «بصائر الدرجات الکبری» که مجموعه ای بسیار ارزشمند از احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است به سند خود از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: ... وَ مَا يُدْرِیهِمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ؟! قَالَ: مُصْحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ... هُوَ شَيْءٌ أَمْلَاهَا اللَّهُ وَ أَوْحَى إِلَيْهَا ⁽¹⁾...

1- بصائر الدرجات: 151 ب 14 ح 3 به سندش از ابوبصیر، بحار الأنوار: 38/26 ب 1 ح 70 از بصائر الدرجات.

آنان چه می دانند مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: مصحفی است که مانند این قرآن شما در آن است، سه برابر... همانا آن چیزی است که خداوند بر ایشان املا فرمود و وحی نمود... و در همان کتاب شریف به سند خود از محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهم السلام نقل کرده که فرمودند: ... وَ خَلَقَتْ فَاطِمَةُ مُصْحَفًا مَا هُوَ قُرْآنٌ، وَ لَكِنَّهُ كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ أَنْزَلَ عَلَيْهَا، إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطُّ عَلِيِّ علیه السلام ⁽¹⁾ ... حضرت فاطمه، مصحفی بر جای نهادند که قرآن نیست اما کلامی از کلام خداوند است که بر ایشان نازل شد، املائی رسول الله و دست نوشته حضرت علی علیه السلام بود.

1- - بصائر الدرجات: 155 ب 14 ح 14 به سندش از محمد بن مسلم، بحار الأنوار: 41/26 ب 1 ح 73 از بصائر الدرجات.

ه: تعریفی که از جانب خداوند در حدیث کساء حضرت زهراء علیها السلام، از پنج تن شده «هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ...» نوعی توهین به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. و باید اوّل رسول الله و سپس امیرالمؤمنین یا حضرت زهرا و... معرفی می شدند.

پاسخ: تقدّم در تعریف، همیشه بر اشرف و افضل دلالت نمی کند و اگر این اشکال بر حدیث کساء وارد باشد، می توان بر قرآن کریم نیز اشکال وارد کرد، آنجا که در آیه مباهله می فرماید: «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»⁽¹⁾. بنابراین معرفی پنج تن از طریق حضرت زهرا علیها السلام، به دلایل دیگری انجام شده است.

با توجه به روایاتی که چند مورد از آنها آورده می شود، فرشتگان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام آشنایی بیشتری داشتند: انس بن مالک غلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان نقل

1- (3) سوره آل عمران: آیه 62.

می کند که فرمودند:.... وَ نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَ فَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ،... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الظُّلُمَةَ بِالْقُدْرَةِ، فَأَرْسَلَهَا فِي سَحَابِ الْبَصْرِ، فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: سُبُوحٌ قُدُّوسٌ، رَبَّنَا مُذْ عَرَفْنَا هَذِهِ الْأَشْبَاحَ مَا رَأَيْنَا سُوءًا، فَبِحُرْمَتِهِمْ إِلَّا كَشَفْتَ مَا نَزَلَ بِنَا، فَهَذَا لَكَ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى قَنَادِيلَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَّقَهَا عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ فَقَالَتْ: إِنْ هَذَا لِمَنْ هَذِهِ الْفَضِيلَةُ وَ هَذِهِ الْأَنْوَارُ؟ فَقَالَ: هَذَا نُورُ أُمْتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، فَلِذَا لَكَ سُمِّيَتْ أُمْتِي الزَّهْرَاءِ، لِأَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ بِنُورِهَا ظَهَرَتْ وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيِّ وَ زَوْجَةُ وَصِيِّ وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيسِكُمْ، لَهُ هَذِهِ الْمَرْأَةُ وَ شِيعَتُهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ⁽¹⁾ و نور فاطمه از نور خداست و دخترم فاطمه، از آسمان ها و زمین برتر است... سپس خداوند به قدرت خود تاریکی را آفرید پس فرشتگان گفتند:

پروردگار ما منزّه و پاک و مقدّس است. از زمانی که ما این

1- بحار الأنوار: 16/25 ح 30 از کتاب ریاض الجنان.

اشباح (نور خمسه طیبه اصحاب کسا) را شناختیم، هیچ سختی و بدی ندیده ایم. پس به حرمت آنان آنچه را بر ما نازل شده است از ما برطرف نما (تاریکی را ببر). آن هنگام خداوند چراغ های رحمت را در سرپرده عرش آویزان فرمود. فرشتگان گفتند: بارالها! این فضیلت ها و نورها از آن چه کسی است؟ فرمود: این نور کنیز من فاطمه زهراست. زهرا نامیده شد زیرا آسمان ها و زمین ها به نور او ظاهر شدند و همانا او، دختر پیامبرم و همسر وصی و حجت من بر مخلوقاتم می باشد. ای فرشتگانم! شما را گواه می گیرم، به تحقیق ثواب تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت، برای این زن و شیعیانش قرار دادم... .

این حدیث در جایی دیگر به سند از انس بن مالک نقل شده و در آن آمده است:.... پس خداوند به فرشتگان چنین وحی فرمود: هَذَا نُورٌ اخْتَرَعْتُهُ مِنْ نُورِ جَلَالِي لِامْتِي فَاطِمَةَ ابْنَةِ حَبِيبِي، وَ زَوْجَتِهِ وَلِيِّي، وَ اخِي نَبِيِّي، وَ ابْنِي حُجَّجِي عَلَى عِبَادِي⁽¹⁾... این نور، نوری است که آن را از نور جلال و عظمت خود برای کنیز خودم فاطمه، دختر حبیبم و همسر ولی و برادر پیامبرم و پدر حجت هایم بر بندگانم آفریدم... .

و به نقل از سلمان فارسی □ از رسول الله ﷺ با اختلاف اندکی آورده شده و در آن آمده است: فَقَالَ اللَّهُ: وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي، لَأَجْعَلَنَّ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيسِكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِمُحِبِّي هَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ أَبْنَاهَا وَ بَنِيهَا⁽²⁾ خداوند فرمود: سوگند به عزت و شکوهم! همانا ثواب تقدیس و تسبیح شما فرشتگان را تا روز قیامت برای دوستان این زن و پدر و شوهر و پسرانش قرار می دهم.

با توجه به احادیثی از این دست، درمی یابیم که فرشتگان

1- بحار الأنوار: 82/37 ب 50 ح 51 از تأویل الآیات: 143 از کتاب مصباح الأنوار.

2- بحار الأنوار: 17/43 ب 2 ح 16 از ارشاد القلوب: 403/2.

نسبت به حضرت زهرا علیها السلام شناخت بیشتری داشتند و به همین جهت خداوند حضرت زهرا علیها السلام را برای معرفی خمسه طیبه، مرکزیت بخشیده است.

از طرفی، برای درک حقیقت حضرت فاطمه علیها السلام باید به احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله درباره آن حضرت و نیز چگونگی رفتار پیامبر نسبت به ایشان، روی آوریم و با دقت تمام برای فهم آن بکوشیم. پیامبر بارها به ایشان فرمود: فِداکِ أبوکِ پدرت به قربان تو باد. یا درباره ایشان می فرمود: فِداها أبوها پدرش به فدایش باد. و موارد دیگر. در اینجا نیز تقدّم نام حضرت فاطمه علیها السلام برای بیان مرتبه ای از شرافت و فضیلت آن حضرت است که در احادیث دیگری نیز به آن اشاره شده است:

جناب سیّد حسن میرجهانی (ره) برایم نقل فرمود چنان که در کتاب خود الجَنَّةُ العاصِمَةُ: 148 نقل نموده است از کتاب

«کشف اللّثالی» تألیف عالم جلیل شیخ صالح بن عبدالوّهّاب بن العرنّس حلّی رضوان الله علیه که از علمای شیعه در قرن نهم هجری است، به سند متصل خود از جابر بن عبدالله انصاری از رسول الله صلی الله علیه و آله از خداوند تعالی نقل می کند که فرمود: یا أَحْمَدُ! لَوْ لَکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْآفَلَکَ، وَ لَوْ لَکَ عَلَیْ لَمَّا خَلَقْتُکَ، وَ لَوْ لَکَ فَاطِمَةُ لَمَّا خَلَقْتُکُمَا ای احمد! اگر به سبب تو نبود، افلاک را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی آفریدم. سپس جابر گفت: هذا من الأسرار الّتی أمرنا رسول الله صلی الله علیه و آله بکتمانها إلّا عن

أَهْلُهُ اَيْنَ، از جمله اسراری بود که رسول الله ﷺ به ما دستور دادند آن را جز از اهلش، پنهان داریم.

و: در پایان حدیث کساء به روایت حضرت زهرا علیها السلام سوگند یاد شده است که اگر در جمعی از شیعیان و علاقه مندان اهل بیت علیهم السلام این حدیث خوانده شود و از این واقعه یادی به میان آید، مشکلات آن ها برطرف شده و خداوند خواسته های آنان را برآورده و مستجاب می گرداند. اگر این حدیث از جانب معصوم نقل شده است، چرا عده ای با خواندن حدیث کساء، مشکلاتشان برطرف نمی شود؟

پاسخ: در قرآن کریم می خوانیم «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را⁽¹⁾ اما چنان چه می دانیم بسیاری از دعاهای ما به اجابت نمی رسد. در واقع نفس دعا کردن، توفیقی الهی است که گاه با مستجاب نشدن دعا و در نتیجه تکرار دعا، شامل حال بنده می شود. از طرفی، دانسته های انسان، به دیده ها و شنیده های او خلاصه می شود و چه بسا دعاهایی که اجابت آن به صلاح او نیست اما او از این امر، آگاهی ندارد اما خداوند با آگاهی از این امر، این خواسته را با عطایای بیشتر خود در قیامت، اجابت می کند.

1- (40) سوره غافر: آیه 61.

علاوه بر اینکه، عَلَتْ تَامَّهُ برای استجابت، تنها دعا کردن نیست و باید سایر شرایط نیز فراهم شود. از جمله اینکه موانع استجابت دعا در میان نباشد که در دعای حضرت خضر علیه السلام به روایت امیرالمؤمنین علیه السلام که به «دعای کمیل» مشهور است، به آن اشاره شده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

خدایا برای من گناहانی را مورد بخشش قرار ده که دعا را حبس می کند (از بالا رفتن و استجابت دعا، جلوگیری می کند)».

همچنین در نامه 31 نهج البلاغه که مولا امیرالمؤمنین علیه السلام برای سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام مرقوم فرمودند، آمده است: ... فَلَا يُقْنِطَنَّكَ إِبْطَاءُ إِجَابَتِهِ، فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى الْقَدْرِ النَّبِيِّ، وَرَبِّمَا أُخِّرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْثَرَ لِعَظَمِ الْبَاجِرِ السَّائِلِ، وَأَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْآمِلِ، وَرَبِّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُعْطَاهُ (تَوْتَاهُ)، وَأُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجَلًا، أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا

هُوَ خَيْرٌ لَكَ، فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَكَ دِينُكَ لَوْ أُوتِيَتْهُ، فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ، وَيُنْفَى عَنكَ وَبَالُهُ، ... هرگز از به تأخیر افتادن اجابت دعا ناامید نباش، زیرا بخشش الهی به اندازه نیت است. گاه در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای امیدوار کامل تر شود. گاه درخواست می کنی اما پاسخ داده نمی شود، زیرا (خداوند) بهتر از آنچه که خواستی، به زودی یا در وقت مشخص به تو خواهد بخشید. گاهی دعا به اجابت نمی رسد زیرا چه بسا خواسته هایی داری که اگر داده شود، مایه نابودی دین تو خواهد شد. پس درخواست تو در آن چیزی باشد که زیبایی آن برای تو باقی باشد و وبال آن از تو نفی گردد،

همچنین، مضمون فقرات پایانی حدیث کساء به روایت حضرت زهرا علیها السلام، در احادیث دیگری نیز آمده است که درباره فضیلت مجالس و اجتماع مؤمنین در ذکر معارف و فضائل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

در نتیجه چنان چه بیان شد، متن حدیث شریف کساء به روایت حضرت
زهره علیها السلام با بسیاری از آیات و احادیث هماهنگی کامل داشته و همین، دلالت
بر قوّت متن آن دارد.

رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها

احقاق الحق ق

الغرر و الدرر غ

عوالم العلوم ع

المنتخب خ

وفاه الزهراء المقرّم م

یادآور می شویم که اختلاف کلمه ها در نسخه ها و منابع در پاورقی و داخل
کروشه آورده شده است. همچنین عبارت های اضافه بر متن مشهور با علامت
(+) و عبارت هایی که در متن مشهور بوده ولی در برخی نسخه ها نیامده است،
بدین صورت (-) نمایش داده شده است.

متن مقابله شده حدیث شریف کسای یمانی

بِسْنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ]⁽¹⁾

سَمِعْتُ فَاطِمَةَ⁽²⁾ أَنَّهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ⁽³⁾ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ، فَقُلْتُ: ⁽⁴⁾عَلَيْكَ السَّلَامُ⁽⁵⁾،

1- «ق».

2- «ق»: + الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

3- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

4- «ق»: + وَ.

5- «ق»: + يَا ابْنَاهُ.

قال⁽¹⁾: إِنِّي أَجِدُ⁽²⁾ فِي بَدَنِي ضَعْفًا، فَقُلْتُ لَهُ: أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا ابْنَاهُ مِنَ الضُّعْفِ، فَقَالَ⁽³⁾: يَا فَاطِمَةُ ائْتِينِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ، فَعَطِّينِي بِهِ، فَاتَّيْتُهِ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ، فَعَطَّيْتُهُ بِهِ، وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَالُؤُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلِهِ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ.

⁽⁴⁾فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحَسَنِ⁽⁵⁾ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ، فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي، فَقَالَ⁽⁶⁾: يَا أُمَّاهُ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً،

1- «ق»: فَقَالَ.

2- «ق»: لَأَجِدُ.

3- «خ»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

4- «خ»: + قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

5- «ق»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

6- «ق»، «ع»، «م»: + لى.

كَانَهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ⁽¹⁾، فَقُلْتُ: نَعَمْ ⁽²⁾، إِنَّ جَدَّكَ ⁽³⁾ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ ⁽⁴⁾ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ⁽⁵⁾، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً، وَإِذَا بِوَلَدِي الْحُسَيْنِ ⁽⁷⁾ ⁽⁸⁾ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ، فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا قُرَّةَ

1- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

2- «ق»: + يَا وَلَدِي.

3- «م»: + نَائِمٌ.

4- «ق»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

5- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

6- «ق»: + فَإِذَا.

7- «خ»: + إِذَا بِوَلَدِي الْحُسَيْنِ، «م»: بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ.

8- «ق»، «ع»، «خ»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

عَيْنِي وَ ثَمَرَهُ فُؤَادِي، فَقَالَ لِي: يَا أُمَّاهُ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَانَهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَقُلْتُ: نَعَمْ ⁽¹⁾ إِنَّ جَدَّكَ وَ أَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَدَنَى الْحُسَيْنُ ⁽²⁾ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ ⁽³⁾ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ ⁽⁴⁾: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا شَافِعَ أُمَّتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ.

1- «ق»، «ع»، «م»: يا بُنَيَّ.

2- «ق»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ، «م»: + مِنْهُ.

3- «م»: + هَذَا.

4- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، «م»: + لَهُ.

فَاقْبَلْ⁽¹⁾ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ⁽²⁾ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ⁽³⁾ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ⁽⁴⁾، فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَاقْبَلْ⁽⁵⁾ عَلَيَّ⁽⁶⁾ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ⁽⁷⁾ مَعَكُمْ تَحْتَ

1- «م»: ثُمَّ أَقْبَلَ.

2- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

3- «ق»: + يَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

4- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

5- «م»: + نَحْوَهُ.

6- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

7- «م»: أَدْخَلَ.

الْكِسَاءِ؟ قَالَ لَهُ⁽¹⁾: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَ يَا وَصِيَّي وَ خَلِيفَتَيَّ وَ صَاحِبَ لَوَائِي⁽²⁾، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ؛ فَدَخَلَ عَلَيَّ⁽³⁾ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ⁽⁴⁾ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ قَالَ⁽⁵⁾: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَ يَا بَضْعَتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلْتُ⁽⁶⁾ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

1- «م»: + نَعَمْ.

2- «ق»: + فِي الْمَحْشَرِ نَعَمْ.

3- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ، م: + مَعَهُمْ .

4- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

5- «ق»: + لِي، «م»: + نَعَمْ.

6- «ق»: + مَعَهُمْ.

فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا⁽¹⁾ جَمِيعاً تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ، وَأَوْمَىءَ
بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي
لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ، وَيَحْزَنُنِي مَا يَحْزَنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ
حَارَبَهُمْ، وَسَلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَ
أَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَغُفْرَانِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَ
عَلَيْهِمْ، وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي! إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً
مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَذْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنِيراً، وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً⁽²⁾، وَلَا فَلْكَأً يَدُورُ، وَ
لَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا فُلْكَأً

1- «ق»: + وَاجْتَمَعْنَا.

2- «ع»: + وَلَا فُلْكَأً تَجْرِي إِلَّا لِأَجْلِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

يَسْرَى⁽¹⁾، إِلَّا فِي مَحَبَّةِ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ⁽²⁾! وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ⁽³⁾ عَزَّ وَجَلَّ⁽⁴⁾: هُمْ
أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ⁽⁵⁾، هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوها.

فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي⁽⁶⁾ أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ⁽⁷⁾، لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِيساً؟
فَقَالَ اللَّهُ⁽⁸⁾: نَعَمْ⁽⁹⁾، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

1- «ق»، «ع»: تَسْرَى.

2- «غ»: فَقَالَ جِبْرِائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ.

3- «ق»، «غ»، «م»: «م»: + الله.

4- غ»: جَلَّ جَلَّالُهُ، «م»: سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى.

5- «ق»، «ع»، «م»: + وَ.

6- «م»: يَا رَبِّ.

7- «غ»: أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ وَأَبَشَّرَهُمْ.

8- «ق»: + عَزَّوَجَلَّ.

9- «م»: فَإِذَا الدَّاءُ.

فَهَبِطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ ⁽¹⁾: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ⁽²⁾ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ، وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ، وَيَقُولُ لَكَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي! إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَ لَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَ لَا قَمَراً مُنِيراً ⁽³⁾، وَ لَا شَمْساً مُضِيَّةً، وَ لَا فَلَكَاً يَدُورُ، وَ لَا بَحْراً يَجْرِي، وَ لَا فَلَكَاً يَسْرِي ⁽⁴⁾، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ، وَ قَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ ⁽⁵⁾، فَهَلْ تَأْذَنُ لِي ⁽⁶⁾

1- «ق»: + لِيَابِي.

2- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، «غ»: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حَبِيبِي يَا مُحَمَّدُ! رَبُّكَ.

3- «غ»: + وَ لَا جَنَّةَ وَ لَا نَاراً.

4- «ق»، «ع»: تَسْرِي.

5- «م»: + تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ.

6- «م»، «ق»: + أَنْتَ.

يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ ⁽¹⁾ رَسُولُ اللَّهِ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَ حَيَّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ ⁽²⁾.

فَقَالَ ⁽³⁾ لِيَابِي: إِنَّ اللَّهَ ⁽⁴⁾ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ: □ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ⁽⁵⁾

فَقَالَ ⁽⁶⁾ عَلِيُّ لَأَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُسِينَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنْ
الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ ⁽⁷⁾: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ

1- «ق»: + أَبِي.

2- «م»: مَعَهُمْ وَقَالَ لَهُمْ.

3- «ق»: + جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

4- «م»، «ع»: + غَزَوْجَلَّ.

5- (33) سورة الأحزاب: آية 34.

6- «م»: + أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ.

7- «م»، «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا! مَا ذُكِرَ خَبَرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ
الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا إِلَّا وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَ حَقَّتْ بِهِمْ
الْمَلَائِكَةُ، وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيُّ ⁽¹⁾: إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَ فَازَ ⁽²⁾
شِيعَتُنَا وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ.

فَقَالَ ⁽³⁾ النَّبِيُّ ثَانِيًا ⁽⁴⁾: يَا عَلِيُّ! وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَ اصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ
نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَبَرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا
وَ مُحِبِّينَا، وَ فِيهِمْ

1- «م»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

2- «م»: فَازَتْ.

3- «ق»، «ع»: أَبِي.

4- «م»: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

مَهْمُومٌ إِلَّا وَ فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَ لَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَ كَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَ لَا طَالِبٌ حَاجَهُ
إِلَّا وَ قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.

فَقَالَ عَلِيُّ⁽¹⁾: إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا، فَازُوا وَسُعِدُوا فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبُّ⁽²⁾ الْكَعْبَةِ.

1- «م»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

2- «ق»، «ع»: رَبُّ.

آداب و ثواب

برای خواندن حدیث شریف کسا، طهارت لازم نیست؛ ولی برای نتیجه گیری بهتر، خوب است با طهارت ظاهر و باطن، توجّه و حضور قلبی، رو به قبله و با ایمان و اعتقاد به استجاب دعا، خوانده شود.

خواندن حدیث شریف کسا دارای ثواب و اجر معنوی بسیار می باشد که به برخی از آنها اشاره می شود:

فرود آمدن رحمت الهی

زیرا از مجالس احیای امر اهل بیت علیهم السلام و ذکر فضائل آنان است، گرد آمدن فرشتگان در آن مجلس و درخواست آمرزش فرشتگان از خداوند برای خوانندگان دعا تا هنگامی که دعا تمام شود، برطرف شدن غم و اندوه و پریشانی از خوانندگان این حدیث شریف، برآورده شدن حاجت های خواننده این دعا از جانب خدای تعالی و رستگاری دنیا و آخرت.

توصیه و خاتمه

بر مؤمنان و موالیان حضرات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است که به وسیله انس با مجالس توسّل و ذکر فضائل و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام و توسّلات وارد شده از جانب آنها، ارتباط خود را با آن حضرات، هرچه بیشتر نموده و مانند مجالس دعاهاى ندبه، توسّل و کمیل و زیارت های عاشوراء، آل یاسین و جامعه کبیره که بحمدالله تعالی در مساجد و حسینیه ها و خانه ها از رونق خوبی برخوردار است، جلسه هایی تشکیل داده و این حدیث شریف را زمزمه نموده و از درگاه خداوند متعال رفع گرفتاری ها، به ویژه درخواست تعجیل فرج اعلی حضرت آیه الله العظمی، ولی الله الأعظم و صاحب الأمر، الحجه بن الحسن المهديّ عجل الله تعالی فرجه الشریف و شفا و بهبودی عاجل بیماران را درخواست نمایند.

امید است مؤمنان و خوانندگان محترم، این کمترین شیفته خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را از دعای خیر فراموش نکنند.

اللّهُمَّ بِحَقِّ فَاطِمَه و اَبِیْهَا و بَعْلِهَا و بَنِیْهَا
و السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِیْهَا، عَجِّلْ لَوْلَیْکَ الْفَرَجَ و الْعَافِیَه و النَّصْرَ.

تمام شد در سحرگاه جمعه 23 شعبان المعظم 1417 هـ
و الحمد لله ربّ العالمین.

حیدر حسین التربتی الکربلائی

امام حسن زکی عسکری علیه السلام فرمودند:

ما امامان حجت های خدا بر آفریدگان او هستیم وجد ما حضرت فاطمه
حجت خدا بر ماست

طیب البیان فی التفسیر القرآن ج 12 ص 225

فهرست مطالب

2	پیش گفتار
4	مقدمهٔ اوّل: شبهه ها دربارهٔ حدیث کساء
6	منابع حدیث کساء
15	نظم حدیث کسا
17	چند نکته
18	محدث و دانشمند فقید، سیّد عبدالرزاق موسوی مّقرّم قدّس سرّه می نویسد
21	منابع، اسناد و راویان حدیث
22	مقدمهٔ دوّم: اضافات و پاسخ به سایر شبهه ها
24	الف: گفته شده است: این سلسله سند به لحاظ تاریخی
26	پاسخ: بزرگانی از پیروان خلفای سقیفه ملعونه، چون احمد
35	رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها
36	متن مقابله شدهٔ حدیث شریف کسای یمانی
43	آداب و ثواب
44	فرود آمدن رحمت الهی
45	توصیه و خاتمه
46	امام حسن زکی عسکری علیه السلام فرمودند
47	فهرست مطالب